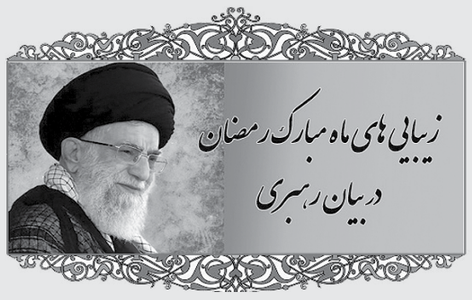

رمضان
دوره فشرده ریاضت مؤمنان

(ماه رمضان) یک دوره فشرده ریاضت برای مسلمان مؤمنی است که می‌خواهد از این ریاضت، برای ساختن و برای تقویت روحیات و ملکات نیک در خود استفاده کند و در طول سال و در همه عمر از آن بهره گیرد. در ماه رمضان، این ریاضت الهی و شرعی، این خویشتنداری، این صبر بر گرسنگی و تشنگی، این مبارزه با هوای نفس و شهوات انسانی، موجب آن می‌شود که ملکات نیک در انسان تقویت شود. بشر در حقیقت مجموعه‌ای از همین ملکات و صفات و خصال است. آن کسانی که صفات و خصال نفسانی و روحی آنها، صفات نیک است، با دست پُر از این دنیا می‌روند. اعمال عبادی، تقوای الهی و بقیه وظایفی که برعهده انسان است، در درجه نهایی برای این است که انسان بتواند خود را مجموعه‌ای از ملکات نورانی کند؛ خود را انسان واقعی بسازد و تشبّه به خدای بزرگ پیدا کند.

همه بدبختی‌های بشـــر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ظلم‌ها، تزویرها، نامردمی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، جنگ‌های ظالمانه، حکومت‌های فاســـد، تسلیم شـــدن و ظلم‌پذیری در میان ملت‌ها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفسانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انســـان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسانِ رستگاری شده است. ماه رمضان این را در شما به وجود آورده است.

لزوم حفظ دستاوردهای روزه‌داری

انسانی که به برکت ماه رمضان، قدرتِ مبارزه با هوای نفس پیدا کرده، دستاورد بزرگی را به دســـت آورده اســـت که بایدِ آن را حفظ کند. انســـانی که از عادت به هوسرانی و عادت زشت پاسخگویی مثبت به هوس‌ها و شهوات- تا هرجایی که برای او مقدور است- رنج می‌برد، در ماه رمضان می‌تواند بر این عادت فائق آید؛ باید این را برای خود حفظ کند. همه بدبختی‌های بشر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ظلم‌ها، همه تزویرها، همه نامردمی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، همه جنگ‌های ظالمانه، همه حکومت‌های فاسد، همه تسلیم شدن و ظلم‌پذیری در میان ملت‌ها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفســـانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انسان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسانِ رستگاری شده است. ماه رمضان این را در شما به وجود آورده است.

این حالت تضرّع و این حالت توجّه و ارتباط با خدای متعال را با دله‌ای نورانی خود، در طول ســـال برای خودتان حفظ کنید. دنیا و آخرت، با این صفای نفسانی برای انســـان حاصل می‌شود. دنیایی که انسان را ســـعادتمند کند، فقط از این راه حاصل می‌شود و لاغیر.

*** بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر - ۱۳۷۸/۱۰/۱۸**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

نیت قبلی، شرط صحت روزه

س) کسی در وطن بوده و قصد داشته روزه رمضان را نگیرد، اما در طول روز که می‌بیند مبطلی را انجام نداده، قصد روزه می‌کند. آیا روزه‌اش صحیح است؟

ج) اگر کســـی در شب ماه رمضان، عمداً تا طلوع فجر، نیت روزه نکند، هر چند در اثنای روز نیت کند، روزه‌اش صحیح نیســـت. البته باید تا مغرب آن روز از همـــه چیزهای باطل‌کننده روزه اجتناب کند و بعد از ماه رمضان، قضای آن روز را به‌جا آورد.

پرداخت کفاره، پس از استطاعت

س) اگر کســـی از روی عمد روزه‌اش را بشکند و توان پرداخت کفاره را نداشته باشد و برای توبه، فقط استغفرالله بگوید، اگر در ادامه عمر توان پرداخت یا انجام کفاره را داشته باشد، وظیفه‌اش چیست؟

ج) کسی که به دلیل عدم توانایی بر کفاره عمد(روزه و غذا دادن به فقیر)، وظیفه‌اش استغفار است، اگر بعدها بتواند روزه بگیرد یا به فقرا غذا دهد، احتیاط مستحب آن است که انجام دهد.

روزه قضا توسط نوجوان نابالغ

س) آیا پسر من که ۱۲ساله است و هنوز به سن تکلیف نرسیده، می‌تواند در ماه رمضان برای مادرم که فوت شده روزه قضا بگیرد؟

ج) بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.

استحباب نماز پیش از افطار

س) اول اذان مغرب در ماه مبارک رمضان اگر کســـی سر سفره افطار منتظر ما باشد، ولی ما نماز اول وقت بخوانیم و بعد افطار کنیم، مشکلی دارد؟

ج) مستحب است روزه‌دار، نماز مغرب را پیش از افطار بخواند؛ ولی اگر کسی منتظر اوست یا خودش به قدری گرسنه است که نمی‌تواند نماز را با حضور قلب به‌جا آورد، بهتر اســـت اوّل افطار کند ولی در صورت امکان نماز را در وقت فضیلت بخواند.

خوف از ضرر روزه به سلامتی

س) بنده جراحی فک داشتم؛ وقتی که روزه می‌گیرم، درد شدیدی در ناحیه فک خود احســـاس می‌کنم که گاهی اوقات باعث سردرد می‌شود و احساس ضعف و بی‌حالی شدیدی می‌گیرم و کم‌خونی نیز دارم؛ می‌خواستم بدانم با چنین شرایطی آیا باید روزه بگیرم یا خیر؟

ج) به‌طور کلی کسی که می‌داند روزه برای او ضرر دارد یا احتمال عقلائی می‌دهد که ضرر داشته باشد(یعنی خوف ضرر دارد) روزه بر او واجب نیست و تشخیص تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و یا تشدید درد و عدم قدرت بر روزه به عهده مکلف است.

معنای احیای شب قدر

کلمه «احیاء» یعنی زنده کردن و احیای این شـــب‌ها یعنی این شب‌ها را زنده نگهداری کردن و شب زنده‌داری کردن...

نقطه مقابل «اماته» که به معنی میراندن است.

این کلمه چنین می‌رساند که شب- که قسمتی از وقت انسان است- دو حالت دارد: ممکن است شبِ کسی زنده باشد و ممکن است شبِ او مرده باشد.

شبِ زنده آن شبی است که انسان تمام یا لااقل پاسی از آن شب را با یاد خدا و با مناجات و راز و نیاز با ذات پروردگار به سر ببرد و شب مُرده آن شبی است که انسان تمام آن شب را با غفلت و فراموشی ذات مقدس پروردگار به‌سر ببرد.

ممکن است کسی خیال کند که این تعبیر یک تعبیر مجازی است، یک نوع تعارف است: شب که زنده و مرده ندارد، شب بالاخره شب است، زمان است.

مقداری از زمان که این نیم‌کره زمین که ما در روی آن زندگی می‌کنیم مواجه با خورشید نیست و نور خورشید نمی‌تابد، به آن می‌گویند «شب»؛ شب به هر حال شب است؛ شب نه زندگی دارد و نه مردگی.

این سخن راست است ولی آن کسی که می‌گوید احیاء، شب را زنده نگه داشتن، مقصودش این نیست که این قطعه زمان را شما زنده نگه دارید؛ مقصود زنده نگه داشـــتن خود شماست در این قطعه از زمان یعنی زمان خودمان را زنده نگه داریم،هر کداممان آن زمانی را که در درون ماست زنده نگه داریم.

آن زمانی که در درون ماست چیست؟ آن همان خود ما هستیم، از حقیقتِ ما جدا نیست.

پس زمان خودمان را، شب خودمان را زنده نگه داریم یعنی خودمان یک شب واقعاً زنده باشیم، واقعاً زنده زندگی کنیم نه اینکه مرده زندگی کنیم.

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری(آزادی معنوی)**
ج۲۳، صص: ۴۶۵-۴۶۴- با تلخیص و ویرایش

ضرورت‌های استعاذه

علی پوریا

شـــرور چنـــان در کمین انســـان اســـت که حتی پیامبـــر(ص) در هنگام دریافـــت وحی خـــود را موظف به استعاذه به خدا می‌داند تا به‌ویژه از شـــر ابلیس شیطانی و القائات او در امان بماند.

انسان در زندگی احساس می‌کند که از سوی دشمنانی ناشناس و نادیدنی همواره تهدید یا اذیت می‌شود. حضور سنگین شیاطین جنی، فروپاشی خانواده‌ها با چشم زخم، سحر، جادو، طلسم، شـــرور افسونگران و دارندگان موکلان جنی، زنان دمنـــده در گره‌ها(نفاثات) و ایجاد بدبختی و مانند آنها امری واقعی و غیرقابل انکار است که بسیاری از مردم از آن شکایت دارند و با صرف هزینه‌های بسیاری نه‌تنها راه به جایی نمی‌برند بلکه بســـتر حضور قوی‌تر و شدیدتر شیاطین جنی را در زندگی فراهم می‌سازند و نوعی وابستگی دائمی به رمال و جن‌گیر و مانند آنها پیدا می‌کنند.

نویسنده با بهره‌گیری از آیات قرآن، تنها راه درمان بلکه رهایی از شـــرور مخلوقات به‌ویژه شیاطین جنی و انسی را پناه‌جویی به خدا در قالب اســـتعاذه به خدا در قول و فعل می‌داند و در این‌باره توضیحاتی داده است.

***

انسان در احاطه شرور مخلوقات

از نگاه قرآن مخلوقات دارای شـــروری هستند: من شر ما خلق.(فلق، آیه ۲) البته برخی از مخلوقات به اســـبابی شرور بیشتری نســـبت به انسان دارند، چنان‌که شب تاریک نســـبت به انسان دارای شرور بیشـــتر از روز است: من شـــر غاسق اذا وقب. (فلق، آیه ۳) همچنین ابلیس و شیاطین جن و انسی تحت فرمان او، از بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین مخلوقاتی هستند که شرورشـــان دامن‌گیر انسان می‌شود. این گروه از دشمنان انسان و انسانیت با انواع ابزارها و شیوه‌ها بر آن هستند تا انسان را از مقام انسانیت و خلافت الهی خارج کنند. از همین‌رو همواره در حال گردش گروهی در اطراف انســـان هستند تا با ایجاد «نزغ»(وسوسه) انســـان را از مســـیر عبودیت و خلافت خارج سازند. (اعراف، آیه ۲۰۰؛ فصلت، آیه ۳۶)

شـــیاطین خناس جنی و انسی در خدمت ابلیس شـــیطانی با وسوسه‌گری در ســـینه‌های مردم(ناس، آیات ۴ تا ۶)، افسون افسونگران، یعنی همان «نفاثات فی العقد»(فلق، آیه ۴)، ســـحر و جادو و طلسم(بقره، آیه ۱۰۲)، القائات شیطانی(مؤمنون، آیه ۹۷)، ایجاد حسادت(فلق، آیه ۵) و مانند آنها می‌کوشند تا انسان‌ها را گمراه سازند و سلطه خویش را بر آنها ایجاد کرده و تحت ولایت طاغوتی و شیطانی برده و زندگی دنیوی و اخروی را بر آنان همراه با شرور و عذاب کنند.

زمینه‌های استعاذه به خدا

استعاذه به معنای پناه‌جویی، فرمان خدا به مؤمنان است تا خود را از شرور گوناگون مخلوقات به‌ویژه شرور جنیان از وسوســـه‌ها و خواطر شیطانی، سحر و جادو و طلســـم جنیان حفظ کنند. هر چند که استعاذه با الفاظی چون «معاذالله»(یوسف، آیه ۲۳) یا «اعوذ بالله» (فلـــق، آیـــه ۱؛ نـــاس، آیـــه ۱) یا «اســـتعیذ بالله» (نحل، آیه ۹۸؛ تفسیر عیاشی و نورالثقلین ذیل آیه) تحقق می‌یابد، ولی حقیقت استعاذه به این است که انســـان واقعا نیت صادقانه داشته باشد تا در پناهگاه امن الهی قرار گیرد و خدا را پناهگاه مطمئنی در برابر شرور مخلوقات از جن و انس بداند.

بی‌گمـــان تحقق چنین حقیقتی از اســـتعاذه با پذیرش الوهیت و ربوبیت خدا بر هســـتی و کســـب رضایت الهی در ســـایه اطاعـــت از آموزه‌های دینی اتفاق می‌افتد.

کسی که اســـتعاذه با کلمات و الفاظ پیش گفته را در برنامه روزانه یا حالات خاص خویش دارد، واقعا خواهـــان کمک الهی و چنگ زدن به ذیل امدادهای الهی اســـت تا از شـــرور مخلوقات به ویژه دشمنان شیطانی از جن و انس در امان باشد؛ زیرا می‌داند که اولا هیچ پناهگاهی ایمن‌تر از خالق مخلوقات نیست و ثانیا شـــرور دشمنان به‌گونه‌ای است که انسان گاه اصلا متوجه آن نیســـت؛ زیرا دشـــمن مکار، به ویژه شـــیاطین جنی غیرقابل رویت با چشم سر، همواره در کمین‌گاه انسان هستند و دور و بر انسان گردش می‌کنند تا راهی برای نفوذ و ضربه و اذیت و آزار پیدا کنند.

پس انســـان نمی‌داند چه کســـی مثـــلا از گروه «نفاثات»، چگونه، کی و کجا با جادو و سحر و طلسم در حال دمیدن اموری اســـت که شرورآفرین است؟! زمانی انســـان عملا استعاذه می‌کند که باور و اعتقاد داشته باشد که:

اولا: هر مخلوقی دارای شـــروری است که ممکن اســـت متوجه انســـان شـــود؛ ثانیا: بداند دشمن یا دشـــمنانی از جمله ابلیس جنی، این دشمن سوگند خورده، در حال فعالیت علیه او هســـتند و این توهم نیســـت، بلکه واقعیتی انکار ناپذیر است؛ ثالثا: بداند که دشـــمنان دارای امکانات و توانایی‌هایی هســـتند که می‌توانند شـــرور خویش را به انسان منتقل کرده و به او آسیب جدی برسانند؛ رابعا: اعتقاد و اعتماد به خدا به عنوان ملجا و پناهگاه امن داشته باشد؛ خامسا: او را خالق، مالک هســـتی و متصرف در آن بداند که می‌تواند شرور را بشناسد و دفع کند؛ سادسا: خدا را به عنوان آگاه به همه چیز از آشـــکار و نهان از جمله شـــرور شیاطین یا مخلوقات و توانا بر انجام هر کاری بداند.(نـــاس، آیات ۱ تا ۶؛ فلق، آیات ۱ تا ۵؛ اعراف، آیه ۲۷؛ نحل، آیه ۹۸)

به هر حال، هیچ پناهگاهی جز خدا نیســـت که انســـان بتواند در زمانه خطر و شرور به آن پناه برد؛ بلکه بر اســـاس صریح قرآنی، خدا در همه حال تنها پناهگاه اســـت که انسان می‌تواند به او پناه برد؛ پس اگر کسی می‌خواهد از خدا فرار کند و پناهگاهی برای خویـــش بیابد، باید به خود خدا پناه جوید؛ از همین رو می‌فرماید: لا ملجا من الله الا الیه؛ هیچ پناهگاهی از خدا جز خدا نیست.(توبه، آیه ۱۱۸)

بر همین اســـاس در روایات و ادعیه ماثور بارها با این جمله و مشابه آن مواجه می‌شویم که می‌گویند: اعوذ بک منک؛ از خودت به خودت پناه می‌برم؛ یعنی از جـــلال خودت به اکرام خودت پناه می‌برم؛ زیرا به تصریح قرآن بر بندگان است تا به سوی خدا در همه حال فرار کنند: ففروا الیه؛ پس به سوی خدا فرار کنید و هرگـــز به غیر او پناه نمی‌گیرم.(جن، آیه ۲۲) پس هیچ پناهگاه امنی جز خدا نیست که انسان بتواند از شرور به آن پناه برد.(کهف، آیه ۲۷)

به هر حال، از نظر قرآن، تنها پناهگاه انســـان در هستی همان خدا اســـت و هرکسی به غیر خدا پناه جوید به چیزی نمی‌رسد؛ از همین‌رو از نظر آموزه‌های قرآن، پناهجویی و استعاذه برخی از انسان‌ها به جنیان نه‌تنها ســـودی ندارد، بلکه آنـــان را از مقصود دورتر می‌کند و به گمراهی بیشـــتر سوق می‌دهد(جن، آیه ۶)؛ زیرا شیاطین جنی وقتی استعاذه انسان به آنان را می‌بینند، شـــرایطی را فراهـــم می‌آورند تا گناهان بیشـــتری را مرتکب شود و از جرگه دین الهی خارج شـــده و بر گمراهی‌اش افزوده شـــود تـــا راهی برای بازگشت نداشته باشد.(همان)

آثار استعاذه به خدا

انسان لازم است به خدا پناه جوید تا خدا در مقام ربوبیت او را در مســـیری قرار دهد که موجب رشد و پرورش می‌شود و مظهریت خلافت را فراهم می‌آورد.

به سخن دیگر، خدا به عنوان پروردگار بر آن است تا هر کســـی به مقام بایسته و شایسته خودش برسد. بنابراین، انســـان با پناهجویی بـــه مقام ربوبیت الهی (قل اعوذ برب الناس) از خدا می‌خواهد تا او را تحت پرورش خاص خویش قرار داده و اجازه ندهد شروری به او برســـد که موجب می‌شود تا از رسیدن به مقام بایسته و شایسته خویش در خلافت الهی بازماند.

از همین‌رو در همه آیات بر اســـتعاذه به ربوبیت توجه داده می‌شـــود.(کهف، آیـــات ۲۷ و ۵۸؛ دخان، آیه ۲۰)

از نظر قرآن، خطر شـــرور مخلوقات به‌ویژه شرور شیاطین، خطری فراگیر برای همگان حتی پیامبران اســـت؛ لذا پیامبر(ص) نیز مامور می‌شـــود تا از خطر شرور شـــیاطین به پروردگارش پناه جوید.(مؤمنون، آیات ۹۷ و ۹۸؛ فلق، آیات ۱ تا ۵؛ ناس، آیات ۱ تا ۶)

بنابراین، هر کســـی که بخواهد خود را از شـــرور مخلوقات به‌ویژه دشـــمنی جـــن و انس حفظ کند، باید به خدا پناه جوید؛ از همین‌رو قرآن، اســـتعاذه به خدا را عامل ایمنی از شرور(فلق، آیات ۱ تا ۵؛ ناس، آیات ۱ تا ۶؛ مریـــم، آیه ۱۸)، ایمنی از ابلیس جنی (آل عمـــران، آیه ۳۶؛ اعراف، آیـــه ۲۰۰، فصلت، آیه ۳۶)، جلـــب رحمـــت و زمینه توفیـــق یافتن برای توبه(توبـــه، آیـــه ۱۱۸)، حفظ عفـــت و مصونیت از انحراف جنســـی (یوســـف، آیات ۲۳ و ۲۴)، حفظ از وسوسه‌های شیطانی(مؤمنون، آیات ۹۷ و ۹۸؛ ناس، آیات ۱ تا ۶)، حفظ از حســـادت حسودان(فلق، آیات ۱ تا ۵)، حفـــظ از مجادله‌گران(غافر، آیه ۵۶)، حفظ از افســـونگران و زنان جادوگر(فلق، آیه ۴)، حفظ از سنگسار از سوی دشـــمنان(دخان، آیات ۱۷ و ۲۰)، حفظ از نســـبت‌های ناروا(همان)، حفظ از قرارگیری در شمار جاهلان بی‌خرد(بقره، آیه ۶۷)، حفظ از شرور متکبران منکـــر قیامت(غافر، آیه ۲۷)، حفظ از عمل منافی عفت و ارتکاب فحشاء(یوسف، آیه ۲۳؛ مریم، آیه ۱۸)، حفظ از ستم ورزی(یوسف، آیه ۷۹) و مانند آنها معرفی می‌کند.

حقیقت استعاذه به این است که انسان واقعا نیت صادقانه داشته باشد تا در پناهگاه امن الهی قرار گیرد و خدا را پناهگاه مطمئنی در برابر شرور مخلوقات از جن و انس بداند. بی‌گمان تحقق چنین حقیقتی از استعاذه با پذیرش الوهیت و ربوبیت خدا بر هستی و کسب رضایت الهی در سایه اطاعت از آموزه‌های دینی اتفاق می‌افتد.

(ذاریات، آیه ۵۰)؛ زیرا در هســـتی هیچ کسی نیست که اصولا وجود استقلالی داشته باشد و نیازی به خدا نداشته باشد و این تنها خداست که می‌توان در همه احوالات به او پناه جست و او را ملجا قرار داده و به او استعاذه کرد.

هر کسی اگر بخواهد در جوار و پناه خدا قرار گیرد باید بداند که تنها خدا است که پناه امن است و کسی جز او نمی‌تواند پناه بخش و پناه ده دیگری باشد. از همین‌رو به پیامبرش می‌فرماید: قل انی لن یجیرنی من الله احد و لن اجد من دونه ملتحدا؛ بگو من هرگز کســـی غیر از خدا را پناه دهنده و مجیر نمی‌شناسم

شـــرور چنان در کمین انســـان است که حتی پیامبـــر(ص) در هنگام دریافت وحی خود را موظف به اســـتعاذه به خدا می‌داند تا به‌ویژه از شـــر ابلیس شـــیطانی و القائات او در امان بماند؛ زیرا ابلیس در اندیشـــه است که تصرفاتی در وحی از زمان نزول تا دریافت یا تبلیغ و تلاوت داشته باشد.(حج، آیه ۵۲؛ نحل، آیه ۹۸) بنابراین، اگر کســـی بخواهد از وحی بهره مند شـــود، باید به‌هنـــگام قرائت قرآن به خدا استعاذه جوید و «اعوذ بالله من الشیطان الرحیم» را بگوید؛ چنان‌که پیامبر(ص) مامور بود و انجام می‌داد. (نحل، آیه ۹۸)

صله‌رحم با بستگان غیر همخوان

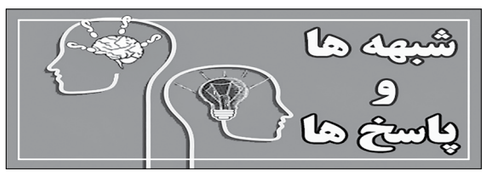

بر اســـاس نظر فقهای عظام انسان مجاز نیســـت در هرحال صله‌رحم با خویشاوندان را ترک کند حتی اگر اهل انجام گناهان باشند. نه‌تنها گناه بلکه حتی اگر در دین و عقیده با ما مشـــترک نباشند باز ما مجاز نیستیم با آنها قطع رابطه کنیم. شـــخصی از امام صادق(ع) سؤال کرد: بستگانم بر غیردین و عقیده من هســـتند. آیا باز برایشان حقی برعهده من است؟ حضرت فرمود: «بلی، حق رحم با هیچ‌چیز ساقط نمی‌شود. اگر بستگانت بر دین تو بودند، دو حق بر تو داشتند: حق رحم و حق اسلام.»

شبهه: برخی فامیل‌های دور و نزدیک حجاب درست و حسابی ندارند، اکثرا هم روسری سرشان نمی‌کنند و یا تقیدات شرعی دیگر هم ندارند، برای رفت و آمد و صله‌رحم چکار کنیم. به خانه‌شان برویم یا نه؟

پاسخ: در مورد صله‌رحم در فرهنگ دینی سفارش‌های بسیاری وارد شده و آثار فراوان دنیوی و اخروی برای آن بیان شده است و در نقطه مقابل هشدارها و نتایج بسیار بدی برای قطع‌رحم مطرح گردیده و از گناهان کبیره شمرده شده است. از طرفی موضوع حجاب هم در فرهنگ دینی از اهمیت بسیاری برخوردار است و مکلفین، به انجام امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در همه زمینه‌ها ازجمله موضوع حجاب سفارش شده‌اند.

حال وقتی خویشاوندان، برخی از احکام الهی مانند حجاب را رعایت نمی‌کنند، وظیفه ما در این شرایط چیست؟

نکته اول: معنا و روش‌های مختلف صله‌رحم

صله‌رحم از ماده «وصل» است و به معنی اتصال و ارتباط با خویشاوندان و هرگونه احسان به ایشان[1] که بر اساس عرف و منابع دینی، مصادیق و روش‌های مختلف و متنوعی دارد و هرگونه رفتاری که باعث ایجاد رابطه و پیوند باشـــد را شامل می‌شود؛ مثلاً گاهی با یک سلام و جواب سلام صله‌رحم برقرار می‌شود، هم‌چنان که از رسول خدا(صلی‌الله علیه وآله) نقل شده که فرمودند: «با خویشاوندان خود ارتباط برقرار کنید هرچند با یک سلام باشد.»[2]

همچنین گاهی دادن یک لیـــوان آب می‌تواند مصداق صله‌رحم باشـــد چنان‌که امام صادق(ع) فرمودند: «حتی اگر شده با نوشاندن جرعه‌ای آب، با خویشاوندت صله‌رحم کن و بهترین صله‌رحم، آزار نرساندن به خویشاوند است.»[3]

تلفن زدن، پیامک دادن، ارســـال محتواهای مفید برای ایشان، رفتن به منزل یکدیگر، همنشینی و صحبت در مجالس یا محل کار یا مهمانی‌ها، سلام فرستادن توسط واسطه یا هدیه فرستادن، کمک مالی، قرض دادن و... همه این موارد می‌تواند مصداق صله‌رحم باشد؛ پس صله‌رحم محدود به منزل هم رفتن نیست و روش‌های دیگری هم دارد. از طرفی همه این موارد هم در شدت و ضعف ارتباط، یکسان نیستند برخی دلالت بر ارتباط قوی و برخی دلالت بر ارتباط ضعیف دارد.

سلسله مراتب داشتن معنای صله‌رحم

صله‌رحمی که باید با فامیل داشته باشیم به یک اندازه و مســـاوی نیست؛ بلکه هرچه فامیل نزدیک‌تر باشد لازم است ارتباط بیشتری برقرار شود و هر چه دورتر کمتر؛ مثلاً نمی‌توان برای صله‌رحم با پدر و مادر یا برادر و خواهر به سلام و علیک گفتن در کوچه یا مجالس بیرونی اکتفا کنیم و گمان کنیم حق صله‌رحـــم را ادا کرده‌ایم؛ بلکه در این موارد باید مراتب بالاتر و شدیدتر ارتباط را برقرارنماییم.

تلفن زدن، پیامک دادن، ارســـال محتواهای مفید، رفتن به منزل یکدیگر، همنشینی و صحبت در مجالس یا محل کار یا مهمانی‌ها، سلام فرستادن توسط واسطه یا هدیه فرستادن، کمک مالی، قرض دادن و... همه این موارد می‌تواند مصداق صله‌رحم باشد. صله‌رحم محدود به منزل هم رفتن نیست و روش‌های دیگری هم دارد.

نکته دوم: تاثیر صله‌رحم حتی برای بی‌تقواها

جالب اینجاســـت که صله‌رحم آنچنان پر برکت است و آثار مختلف دنیایی و آخرتی دارد که حتی اگر هر دو خانواده یا یکی از آنها یا بعضی از آنها اهل گناه و معاصی باشند، ولی اهل ارتباط و صله‌رحم باشند، باز برکات صله‌رحم شامل حال آنها هم می‌شود. چنان‌که از رسول خدا نقل شده که فرمودند: «مردمان بدکرداری که نیکوکار هم نیستند صله‌رحم به‌جای می‌آورند و درنتیجه دارایی‌هایشان زیاد و عمرهایشان طولانی می‌شود، چه رسد به اینکه نیکوکار و نیک باشند.»[4]

نکته سوم: مجاز نبودن ترک صله‌رحم

بر اساس نظر فقهای عظام انسان مجاز نیست در هرحال صله‌رحم با خویشـــاوندان را تـــرک کند حتی اگر اهل انجام گناهان باشند.[5] نه‌تنها گناه بلکه حتی اگر در دین و عقیده با ما مشـــترک نباشند باز ما مجاز نیستیم با آنها قطع رابطه کنیم[6] شخصی از امام صادق(ع) سؤال کرد: بستگانم بر غیردین و عقیده من هستند. آیا باز برایشان حقی برعهده من است؟ حضرت فرمود: «بلی، حق رحم با هیچ‌چیز ساقط نمی‌شود. اگر بستگانت بر دین تو بودند، دو حق بر تو داشتند: حق رحم و حق اسلام.»[7]

نکته چهارم: مراتب‌داشتن امربه‌معروف

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر یکی از واجبات دینی در کنار صله‌رحم است که این مسئله هم دارای مراتب مختلف است: امر و نهی قلبی[8] و امر و نهی لســـانی و امر و نهی عملی که در زمان برپایی حکومت اســـلامی امر و نهی عملی، وظیفه حکومت است نه افراد.[9]

نکته پنجم: انجام امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر با رعایت آداب و شرایط آن

با توجه به آنچه عرض شد شما باید در درجه اول با رعایت آداب و شـــرایط و سلسله مراتب فرد بی‌حجاب را امربه‌معرف و نهی‌ازمنکـــر کنید؛ یعنی حداقل باید در چهره و برخورد ما مشخص باشـــد که از گناهی که طرف مقابل انجام می‌دهد ناراحت هستید و آن را تأیید نمی‌کنید و در صورت لزوم مراحل بعدی امربه‌معروف و نهی از منکر مانند تذکر لسانی را انجام داد.

نکته ششم: جمع بین هردو با استفاده از روش‌های مختلف مانند کم کردن رابطه

اگر باوجود انجام امربه‌معـــروف و نهی‌ازمنکر و اقدامات تربیتی لازم باز طرف مقابل دست از گناه خود مانند بی‌حجابی برنداشت در این‌جا باز ما مجاز به قطع رحم نیستیم. بلکه باید با توجه به اینکه صله‌رحم روش‌های مختلفی دارد سعی کنیم هرچند با تلفن یا پیام دادن یا سلام فرستادن یا هم‌صحبتی در محل کار یا... ارتباط با خانواده طرف مقابل را حفظ کرد.

حتـــی گاهی می‌توان در حد ضرورت(و نه زیاد) به خانه طرف مقابل رفت و در حد ضرورت نشست و با توجه و محبت با بقیه خانواده و کم‌محلی و کم‌توجهی با فرد خطاکار(برای انجام امربه‌معروف قلبی)، بین صله‌رحم و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر جمع کرد.[10] البته در این مواقع باید مراقب باشیم به گناه مبتلا نشویم و احتیاط و مراقبه خود را بیشتر کنیم.[11]

نکته هفتم: تفکیک بین خانواده و شخص بی‌حجاب

در مـــواردی باید بین خانواده شـــخص خطاکار و خود خطاکار، تفکیک قائل شـــد و اگر هم بناست امربه‌معروف و نهی‌ازمنکری با حفظ شرایط و سلسله‌مراتب اتفاق بیفتد باید با همان شخص باشد و با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح ارتباط با بقیه خانواده برقرار بماند و نباید طوری رفتار کرد که بقیه خانواده مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گیرند مگر اینکه آنها هم به این رفتار ناشایست راضی بوده باشند.

حتی در مورد شخص خطاکار هم از روایات اهل‌بیت(ع) به دست می‌آید که انسان در مواجهه با منکرات فامیل و بستگان باید ملاطفت و نرمی بیشتری به خرج بدهد تا موجب خشونت و اصطکاک و دوری نشود.

نکته هشتم: واکسینه کردن خانواده

در قبل و بعـــد از این‌گونه ارتباطات باید مراقب خانواده خود بود تا از این‌گونه رفتارها الگوبرداری نکنند؛ به‌خصوص اگر نوجوان هستند. از این‌رو لازم است در وقت مناسب نسبت به اهمیت و ضرورت و آثار و مبانی حجاب، اطلاعات لازم را در اختیار خانواده قرار داد و نسبت به آن تأکید کرد و پادزهر لازم را تزریق نمود تا به ویروس گناه مبتلا نشوند.

نتیجه

انسان باید درهرحال ارتباط خود را با فامیل و خویشاوندان حفظ کند؛ هرچند اهل گناه و معاصی شده باشند و باید این نوع روابـــط را مدیریت نمود. به این معنی که نوع برخورد و ارتباطات خود را مدیریت کند و روش‌هایی به کار ببرد که هم صله‌رحم انجام داده باشد و هم به گناه و مفسده مبتلا نشود. از طرفی با رعایت سلسله‌مراتب و آداب و شرایط امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به وظیفه خود در این زمینه عمل نماید؛ یعنی با اتخاذ شیوه مناســـب، بین صله‌رحم و رعایت تقوا و انجام امربه‌معروف و نهی از منکر جمع کند.

منابع مطالعاتی

۱. صله‌رحم، نوشـــته مرتضی صابر خراســـانی، نشر مؤسسه در راه حق.
۲. صله‌رحم از دیدگاه کتاب و سنت، نوشته نصرت سنجری، نشر داتیس.
۳. صله‌رحم، نوشته مرتضی اکبری، نشر شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

۱. ر. ک: هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت، ۶ جلد، قم، نشر مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت، ۱۳۸۵ ه ق، ج ۵، ص ۱۰۳.
۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق. ص: ۵۷.
۳. کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم،۱۴۰۷ ق. ج۲، ص: ۱۵۱.
۴. همان، ص: ۱۵۵
۵. خمینی، روح‌الله، استفتائات امام خمینی، ۱۰ ج، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۲ ه ش، ج ۶ ص ۶۶۳
۶. البته حکم افرادی که قبلاً مسلمان بوده و هم‌اکنون مرتد شده‌اند ازنظر برخی فقها متفاوت است که باید در این مسئله به نظر مرجع تقلید خود مراجعه شود.
۷. کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم،۱۴۰۷ ق. ج۲، ص: ۱۵۷.
۸. مقصـــود از امـــر و نهی قلبی، اظهار کراهت قلبی اســـت؛ یعنی مکلف باید تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به انجام منکر و ترک معروف آشکار کند.
۹. پایگاه اطلاع‌رســـانی دفتر رهبر معظم انقلاب، (۱۴۰۰،۱۰،۲۱) https://B۲n.ir/t۱۲۸۶۲
۱۰. البته اگر این رفتن به منزل طرف مقابل به‌نحوی که گفته شد، تأیید رفتار طرف مقابل تلقی شود در این‌جا به نظر برخی از مراجع باید از رفتن خودداری کرد. ر. ک: هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت، ۶ جلد، نشر مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت، قم، ۱۳۸۵ ه ق، ج: ۶، ص: ۶۵۹.
۱۱. برخی فقها می‌فرمایند: اگـــر ترک رفت‌وآمد باعث ترک بی‌حجابی توســـط طرف مقابل می‌شود می‌توان موقتاً با آنها رفت‌وآمد در منزل نداشت و از راه‌های دیگر که بیان شد ارتباط را حفظ کرد. (مکارم شیرازی، ناصر، الفتاوی الجدیده، ۳ ج، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب، ۱۳۸۵ ه ش، ج ۱، ص ۱۲۳.) برخی از مراجع هم شـــرط کرده‌اند که این رفت‌وآمد موجب تشویق و تأیید شخص گنه‌کار نشود و الا نباید رفت‌وآمد کرد و باید از راه‌های دیگر صله‌رحم نمود (ر. ک: سیستانی، توضیح المسائل، ۱۳۹۵ ش، مسئله ۲۵۶).

چراغ راه

بهشت برین نتیجه عمل به قرآن

**قال‌النبی(ص): «الا من تعلّم القرآن و علّمه و عمل بما فیه فانا له سائق الی‌الج